

درگیزی رفیق صباپورن زاده (هاجر) اسفند ۵۰

وز رفیق بهنتم انبری دوانی (تاری وردی)

رفیق هاجر بار رفیق احمد یک ماشین هیلمن سفید رنگ میخرند این ماشین را از خیابان بودجه ^{چهری} از شخص بنام فرحند کارمند اداره مخابرات (خط خارج کاخ مخابرات) خریداری میکند رفیق احمد میگوید چون خانه ام در قهرز است سند به آدرس شما بیاید من بعد از یک ماه میآیم و آن را بگیرم وقتی رفیق احمد درگیر میشود کلید ماشین در جیبش بوده است بعد از ضربه خوردن رفیق احمد رفیق هاجر بدنبال گرفتن سند میروند بی خبر از اینکه دشمن به ماشین رسیده است و فرحند هم با دشمن همکاری میکند ، رفیق هاجر به صاحب ماشین تلفن میزند میپرسد سند ماشین آمده او هم میگوید بیا آنرا بگیر رفیق هاجر میگوید میایم خانه و آنرا بگیرم او میگوید بیا اداره وسایط که میخواهی بنای معین کن رفیق هاجر اصرار میکند که میایم خانه و او قبول میکند بعد از تلفن زدن رفیق هاجر به رفقا میگوید که فرحند اصرار داشته که زمان وصولی که میخواهد سند را بدهد از قبل معلوم باشد رفقا بعد از صحبت کردن (رفیق هاجر درشورا نمیگوید که کلید ماشین در جیب احمد مانده است) به این نتیجه میرسند که خطری نیست و نهایتاً صاحب اولیه ماشین اصرار کرده بود اینست که میخواهد دوباره ماشین را بخرد * . رفیق هاجر قرار بود باینکه او فلان بیروود جلوی کاربر (میدان کچه) و رفیق هاجر سند را بگیرد رفیق در خارج ساختمان بماند ولی همانشب برای رفیق اهانی می افتد و رفیق هاجر رفیق تاری را میبرد رفیق هاجر چون گت بود میروود خانه لذا پیشنهاد کرد بیروود اداره که در واقع صاحب اولیه ماشین خائفگیر شود و همین کار را میکند رفقا میروود اداره و صاحب

نیز صاحب ماشین ازین پولی ماشین را فروخته بود و فلان کار میکردند او میخواهد ترتیب دهد که ماشین را تسلیم بخرد .

اولیه ماضین را میبندد او بیگردد که سند در خانه است پیروم بنا بد هم رفیق طبر و طبری

بنا و صورت خانه که در آنجا درگیر میشوند و هر دو رفیق شهید میشوند .

اتحاد جان و اردیبه رفقا

۱ - رفیق طبر تمام ناکه های موجود را بر سر او انداخته بود (نگین که در جیب رفیق احمد)

لذا رفقا نتوانستند قسم درستی بگیرند . رفیق طبر نسبت به رفیق احمد نسبت نشان

داده بود و اصرار داشت که ناپاک که ماضین تمام استوار هم رفیق احمد دستگیر شود

ماضین را انفرادی گفت (۲) .

۲ - رفیق طبر نیایست رفیق طانک قاری را با خود پیبرد چون این حرکت مستجاب به خود

نمیگذاشتند و این نظر به رفیق اتحاد وارد است .

۳ - رفقا بخش عمده ایال شده اند و اکثری رفقا اند خانه نیوانستند با خود مانع باشند

که نرهند و دیگری کرده خانه خلا قاری یک نرهند و این حرکت ناکه با کله برین ؟

آنوقت اگر اوایل نسبت های جدید شده بود نرهند خود را این است در این صورت

رفیق طبر می توانست بگوید دوست های ایال کرده شماستند و اینها جدید ندهید .

۴ - رفیق به نفس خودش بیای کی داده و حرکتی کرده که نیایست میکرد (۳) .

اگر ماضین را بدست می آوردیم ۳۲ هزار تومان* بود و این خسارتی که تا این فرجه بود

ملاوه بر شهید شدن رفیق بیشتر از ۳۲ هزار تومان بود و رفقا نتوانستند از این درستی

او این حرکت بکنند .

*

۴ در این نوع وضع طای ساوان خوب نبود و حرکت رفیق طبری که تا این فرجه ساوان در آن

موقع بوده است .

(۱) - سطرهای یک چهارم خطی در دو حالت که درجه اولی آنجا آمده باشد
 به وسیله فردگانی آورده شود و در اینجا همیشه به ریل انتقال وارد است بر ریل
 صاف است بهترین شده و نظایر آن در مواضع کند در اینجا ریل چهار وسیله سگتاری
 شده است .

(۲) - این پرده است که در سطر اول انتقال ریل پس از به ریل آنجا آمده بوده است
 که سطر در اینجا ریل چهار دگانه شده است و در اینجا سطر اولی به ریل
 آنجا باعث شد که ریل فعلی در سطر بنام در اینجا علاوه بر اینکه به ریل خطی
 انتقال وارد است که در هر دو حالت انتقال وارد است که در اینجا گفته است
 را اندیده گشته اند و در اینجا فعلی در سطر اولی است که این حرکت در سطر
 به سطر همان او را برای یک آورده .

(۳) - هر دو حالت در هر انتقال وارد است که با حرکت در مواضع کرده و در سطر
 آورده گشته است .